





پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

**عنوان:**

**بررسی فقهی و حقوقی مرور زمان کیفری در قانون مجازات اسلامی**

سال ۱۳۹۲

**استاد راهنما:**

جناب آقای دکتر عادل ساریخانی

**نگارنده:**

رجاء شرفی

زمستان ۱۳۹۴

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم....

قدردان تمامی زحماتتان، مسم.....

و، مسمرم.....

برای همه تلاش هایی که در راهی مشرف من نمود....

مشکروقدرائی

سپاس می گویم خداوند بزرگ و مهربان را، که قدرت نصیبم کرد تا بتوانم تحصیل کنم، پیشرفت کنم و فرد مفیدی

برای خود و جامعه باشم.

باسپاس فراوان از جناب آقای دکتر عادل ساریجانی، استاد بزرگوارم، برای تمامی زحماتی که در راه انجام این

تحقیق متحمل شدند.

## چکیده

از جمله مباحثی که در زمره مباحث حقوقی مورد بحث و دقت نظر قرار می گیرد، مسئله مرور زمان است. این مسئله هم در میان مباحث حقوق مورد بحث قرار گرفته و هم در میان مباحث کیفری مورد دقت واقع شده است. در قانون مجازات اسلامی جدید سه نوع مرور زمان شامل مرور زمان تعقیب، صدور و اجرای حکم پیش بینی شده است. یکی از مسائلی که مورد نظر است بحث وجود تراکم پرونده ها در دادگاه هاست. وقت گیر بودن و شلوغی در دادگاه ها باعث وجود مشکلات زیادی می شود. از این رو باید به دنبال راهکارهایی باشیم که از میان آنها مرور زمان به عنوان یکی از بهترین این راهکارها مد نظر است. در گذشته قانون آیین دادرسی کیفری به موضوع مرور زمان می پرداخت و برای نخستین بار است که این موضوع در قانون مجازات اسلامی جدید مطرح شده است. تحقیق حاضر با هدف بررسی مرور زمان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ انجام شده است.

**کلیدواژه:** مرور زمان، تعقیب، صدور حکم، اجرای حکم، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول - مفاهیم و پیشینه.....	۵
مبحث اول - مفاهیم.....	۵
گفتار اول - تعریف لغوی.....	۵
گفتار دوم - تعریف اصطلاحی.....	۱۱
گفتار سوم - اقسام مرور زمان.....	۱۸
مبحث دوم - پیشینه مرور زمان.....	۲۱
گفتار اول - مرور زمان در ایران باستان.....	۲۱
گفتار دوم - مرور زمان در حقوق معاصر ایران.....	۲۳
بند اول - مرور زمان در قوانین و مقررات قبل از انقلاب اسلامی.....	۲۳
بند دوم - مرور زمان در قوانین و مقررات بعد از انقلاب اسلامی.....	۲۶
فصل دوم - ارکان و شرایط تحقق مرور زمان کیفری.....	۲۹
مبحث اول - ارکان.....	۲۹
گفتار اول : گذشت زمان.....	۲۹
گفتار دوم: ماهیت جرایم مشمول مرور زمان از نظر قانون و فقه.....	۳۲
بند اول - تحول شخصیت انسان.....	۳۲

- بند دوم- از بین رفتن دلایل جرم ..... ۳۲
- بند سوم- ترس از مجازات ..... ۳۳
- بند چهارم- چشم پوشی دادسرا ..... ۳۳
- بند پنجم- سقوط حق در نتیجه کوتاهی دستگاه قضایی ..... ۳۳
- بند ششم- انواع مرور زمان کیفری ..... ۳۴
- گفتار سوم- رفتار صاحب حق در تحقق مرور زمان ..... ۴۰
- مبحث دوم: شرایط مرور زمان ..... ۴۴
- گفتار اول- مرور زمان شکایت : ..... ۴۴
- گفتار دوم- مرور زمان تعقیب ..... ۷۲
- فصل سوم : آثار ماهوی و شکلی مرور زمان ..... ۹۰
- مبحث اول : آثار ماهوی ..... ۹۰
- گفتار اول- عدم پذیرش دعوی پس از انقضا زمان ..... ۹۱
- گفتار دوم- دادگاه رسیدگی کننده به درخواست مرور زمان ..... ۹۲
- گفتار سوم- مواعد مرور زمان ..... ۹۳
- مبحث دوم : آثار شکلی مرور زمان ..... ۹۵
- گفتار اول- سقوط حق دعوی ..... ۹۵
- گفتار دوم- عطف به ما سبق نشدن ..... ۹۷
- مبحث سوم- مرور زمان در مجازات ها ..... ۹۸
- گفتار اول : مرور زمان در قصاص ..... ۹۸

گفتار دوم : حدود	۹۹
بند اول- مرور زمان جرایم حدی در مذاهب اسلامی	۹۹
بند دوم- نظریات فقهی اسلامی در مورد مرور زمان	۱۱۰
گفتار سوم: تعزیر	۱۱۸
گفتار چهارم : دیات	۱۱۹
نتایج	۱۲۱
منابع و مأخذ	۱۲۵
چکیده لاتین	۱۲۵



## مقدمه

الف. بیان مسأله : یکی از علل و عواملی که موجب سقوط دعوی می شود، و برای مدتی مانع رسیدگی به آن دعوی می شود، موضوع مرور زمان می باشد . که مرور زمان یکی از تأسیسات حقوقی اروپایی است که وارد سیستم حقوقی ایران، از آغاز تشکیل دادگستری به سبک نو، در ایران شده پس با توجه به این موضوع ( مرور زمان ) می توان چنین بیان نمود که مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی است که به موجب قانون، پس از آن دعوی شنیده نمی شود . مانند وخواهی پس از ۱۰ روز از ابلاغ واقعی به استناد ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و ۲۰ روز از ابلاغ واقعی به استناد ماده ۳۰۶ قانون دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ، تجدید نظر خواهی بیست روز برای اشخاص مقیم ایران و دو ماده برای اشخاص مقیم خارج صورت می گیرد . و مرور زمان در حقیقت یک امر قانونی است زیرا عدم مراجعه ذیحق برای تعقیب و مطالبه حق خود بنابر قاعده غلبه، ظهور در ( Fiction ) اغماض از آن دارد . و بعضی دیگر، مرور زمان را یک فرض قانونی دانسته اند . پس بنابراین، مرور زمان در امور کیفری عبارت از گذشتن مدتی است که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی، و سرانجام اجرای مجازات امکان پذیر نیست . به طوری که در مورد مرور زمان در امور کیفری در قانون جدید مصوب ۱۳۹۲ آمده است « در جرائمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مقرر، تقاضا تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مقرر، به صدور حکم منتهی نشده باشد، تعقیب موقوف خواهد شد.»

قانون جدید مجازات اسلامی به طور مفصل در مبحث چهارم خود به موضوع مرور زمان پرداخته است و با حذف مجازات‌های بازدارنده از قانون، جرایم تعزیری مشمول مرور زمان قرار گرفته‌اند.

مطابق بند الف ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ در صورتی که یک حکم قطعی کیفری تعزیری در جرایم تعزیری درجه یک تا سه صادر شده باشد، با گذشت ۲۰ سال از تاریخ صدور حکم قطعی، اگر طی این مدت حکم اجرا نشده باشد، دیگر قابل اجرا نخواهد بود؛ بنابراین با در نظر گرفتن جرایم تعزیری درجه یک تا ۸، مدت زمان‌ها متفاوت است.

طبق ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جدید برخی مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند که عبارتند از: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون (با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده) و جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر.

## ب. سوالات تحقیق

سوالات اساسی که در ارتباط با مرور زمان به ذهن می‌رسد را می‌توان اینگونه مطرح کرد:

۱. مواد مربوط به مرور زمان در قانون مجازات قدیم و جدید چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟
۲. چه موادی از قانون مجازات جدید به مرور زمان اختصاص دارد؟ و چگونه مرور زمان را بررسی کرده است؟

## ج. فرضیات تحقیق

۱. در قوانین قبل از انقلاب مرور زمان صریحاً بیان شده بود و انواع آن نیز از مقررات قانون مجازات عمومی و قوانین دیگر قابل استنتاج بود. بعد از انقلاب اسلامی تأسیس مرور زمان با ایراد شرعی مواجه و نهایتاً در سال ۱۳۷۸ ضمن مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری در پاره‌ای از جرائم پذیرفته شد. با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای نخستین بار در این قانون به این موضوع پرداخته شده و به نظر می‌رسد که با تصویب این قانون مقررات مرتبط از قانون آیین دادرسی کیفری نسخ ضمنی شده

است نظر به اینکه قانونگذار در قانون مجازات جدید با رویکردی تازه به مسائل و جزئیات این نهاد حقوقی پرداخته .

۲. مواد ۱۰۵ تا ۱۲۵ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به مرور زمان اختصاص دارد.

۳. حق شاکی خصوصی در خصوص مرور زمان در ماده ۱۱۳ بیان شده است.

#### د. پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه بحث مرور زمان در قانون مجازات جدید بحثی نو و جدید است در باب این موضوع تا کنون تحقیقی انجام نشده است. اما درباره عنوان مرور زمان کارهای مختلفی انجام شده است که به چند نمونه از آن در زیر اشاره می کنیم:

۱- پایان نامه خانم زهره اسماعیلی با عنوان مرور زمان کیفری در حقوق ایران با مقایسه آن در حقوق مصر که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه پیام نور تهران انجام شده است.

۲- پایان نامه آقای محمد تبریزی کوهیخیلی با عنوان بررسی فقهی حقوقی مرور زمان کیفری که در سال ۱۳۸۳ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز انجام شده است.

۳- مقاله آقای مسعود حائری با عنوان مرور زمان کیفری در حقوق کنونی ایران: ابهامات، کاستی ها، چاره جویی ها که در نشریه مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸ به چاپ رسیده است.

#### ه. روش تحقیق

تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

#### و. اهداف تحقیق

بررسی مرور زمان در قانون مجازات جدید بیش از هر فایده ای اصول مورد نظر در قانون جدید را می آموزد و اهداف قانونگذار در وضع قوانین جدید را بهتر می فهمیم.

### ز. ضرورت تحقیق

باید دانست جهان امروز دنیای مرور زمانها است. بدون تعیین مهلت، قبول تقاضاها، تعقیب ها و پذیرش ها نظم جامعه را مختل می کند. در بسیاری از قوانین موضوعه امروزی که به تأیید شورای نگهبان رسیده است مهلت به نحوی گنجانیده شده است که این خود نوعی مرور زمان به شمار می آید. به این ترتیب بررسی مفاهیم مرور زمان در قوانین کیفری ایران ضروری به نظر می رسد.

### ح. سازماندهی تحقیق

تحقیق در سه فصل انجام شده است. فصل اول مفاهیم و تعاریف، فصل دوم ارکان و شرایط و فصل سوم بحث شکلی و ماهوی است.

## فصل اول - مفاهیم و پیشینه

بی شک آشنائی با مفهوم دقیق یک نهاد حقوقی، به ما کمک می‌کند تا موضوع اصلی بحث را به خوبی درک کرده و با ارائه مفهوم دقیق و تعریف آن محل نزاع را معین کنیم؛ زیرا تعیین دقیق موضوع، بدون شناخت مفهوم لغوی و اصطلاحی، که مشتمل بر حدود و فصول و مرزهای معین مفهوم باشد، مقدور نیست. بنابراین ناگزیر از ارائه تعریف لغوی و حقوقی مرور زمان و گزینش بهترین تعریف هستیم.

با مراجعه به کتاب‌های لغت و آراء علمای حقوق جزا و با توجه به قوانین و مقررات موضوعه می‌توان مفهوم مرور زمان را مورد بررسی قرار داد که در گفتارهای بعدی به آن می‌پردازیم.

### مبحث اول - مفاهیم

#### گفتار اول - تعریف لغوی

ممکن است تصور شود که معنا و مفهوم «مرور زمان» به سبب روشن بودن آن، نیازی به بررسی ندارد؛ لیکن با توجه به معانی مختلفی که این واژه و واژه‌های معادل آن دارند، لازم است معانی مختلف آن مطرح و معنای مورد نظر برگزیده شود.

با توجه به اینکه موضوع این رساله، مطالعه تطبیقی نهاد مرور زمان است، الفاظ و لغاتی که در متون عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسوی در این باره به کار رفته‌اند، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

به طور کلی واژه‌های مختلفی برای بیان مفهوم حقوقی مرور زمان در نظام‌های حقوقی به کار رفته است که گاهی از نظر معنا و مفهوم نیز با یکدیگر متفاوتند. مانند اینکه گاهی برای بیان این مفهوم از واژه مرکب و گاهی از واژه غیر مرکب استفاده شده است که به طور مختصر بیان می‌گردد.

## الف- مرور

یکی از واژه‌های مورد استفاده در این باره کلمه «تقادم» است. این کلمه در متون دینی به کار رفته است و در نظام‌های حقوقی معاصر، در اکثر کشورهای عربی از قبیل مصر، سوریه، لبنان، کویت و... از این کلمه در مقام بیان مفهوم "مرور زمان" استفاده می‌شود. البته گاهی اصطلاح "مرور زمان" به جای تقادم استفاده شده است.

در کتاب «لسان العرب» در بیان مفهوم «تقادم» آمده است: "قَدَمٌ نَقِيضٌ حَدُوثٍ اسْت. فعل ماضی و مضارع آن بر وزن (فَعَلَ، يَفْعَلُ) آمده است و مصدر آن (قَدَمًا و قَدَامَةً و تقادم) است و تقادم به معنی و مفهوم امر قدیم است"<sup>۱</sup>.

لذا تقادم از کلمه قَدَمٌ مشتق شده است و قدیم به چیزی می‌گویند که مسبوق به عدم نبوده باشد. یعنی زمانی را نتوان تصور کرد که آن چیز در آن معدوم بوده و پس از مدتی بوجود آمده باشد. در فلسفه، قدیم به چیزی گفته می‌شود که در ذات خودش بی نیاز از علت است و حادث به چیزی گفته می‌شود که در ذات خود، به دلیل وجود امکانی، نیازمند به علت است. ولی در اصطلاح متکلمین، حادث به چیزی گفته می‌شد که مسبوق به عدم است برخلاف قدیم که مسبوق به عدم نیست.

<sup>۱</sup>- ابن المنظور، «الافریقی المصری»، ج ۱۲، بیروت، انتشارات دار صادر، بیتا، ص ۶۰.

در همان منبع آمده است: « قَدَم در مفهوم محاوره‌ای به زمان‌های کوتاه اطلاق می‌گردد. بنابراین اصطلاح تقادم در قانون از مفهوم لغوی آن منقلب شده است و به زمان‌های نسبتاً کوتاه، متوسط و طولانی اطلاق می‌گردد<sup>۱</sup>».

به نظر نگارنده؛ تعبیر به مرور زمان رساتر است، زیرا در این کلمه دقت بیشتری وجود دارد و مفهوم آن به صواب نزدیکتر است.

به هر حال تقادم؛ به معنی گذشت زمان است. این کلمه در مواد ۲۷۶ تا ۲۸۲ ق.آ.د.ک. مصر و مواد ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ ق.آ.د.ک. لبنان به کار رفته و کلمه (ق.د.م.) با حرکات و وزن‌های گوناگونی نقل شده است. مانند « قَدَم » به معنای پای و « قَدِم » به معنای دلیر و « قَدَم » به معنای بی باکی و نترسی، ولی « قَدَم » که تقادم از آن مشتق شده است<sup>۲</sup> در اصل لغت به معنای دیرینگی و پیشینه داری آمده است<sup>۳</sup> " در لغت نامه دهخدا به نقل از منتهی الارب<sup>۴</sup> و « اقرب الموارد » چنین آمده است: " قَدَم، دیرینگی، اسم است قدیم را یعنی زمان قدیم<sup>۳</sup> " و از دیگر معانی لغوی آن " سابقه " است، چنانچه می‌گویند: " له قَدَم فی هذا الامر، یعنی او در این کار سابق دارد<sup>۴</sup> ".

جهت پرهیز از اطاله کلام به همین میزان از نقل اقوال لغوی اکتفا می‌کنیم و با مراجعه به متون حقوقی و قانونی و فقهی از طرفی و دقت در کتب لغوی از سوی دیگر، معلوم می‌گردد که بین معنی لغوی و اصطلاحی تقادم، علاقه و ارتباط برقرار است و از دیدگاه علم زیباشناسی کلمه‌ای منقول است. به عبارت

<sup>۱</sup>- ابن المنظور الافریقی المصری، ج ۱۲، بیروت، انتشارات دار صادر، بی‌تا، ص ۲۲۱ .

<sup>۲</sup>- ابوالقاسم پرتو، واژه یاب، ج ۲، ۲، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹۴ .

<sup>۳</sup>- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ سیروس، تهران، ۱۳۳۹ باب حرف قاف، ص ۱۸۰ .

<sup>۴</sup>- لویس معلوف، المنجد، ترجمه محمد بندریکی، ج ۲، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۷۵، ص ۱۴۰۶ .

دیگر، بین منقول و منقول‌الیه رابطه وجود دارد. این رابطه در نظر اهل فن ملحوظ بوده است و همین رابطه، دلیل نام‌گذاری مرور زمان به تقادم است؛ زیرا معنی و مفهوم در تقادم لغوی و حقوقی، همان امر دیرین و سابقه دار است.

## ب- زبان فارسی

به مرور زمان از ترکیب دو کلمه «مرور» و «زمان» بدست می‌آید مرور کلمه‌ای است که دارای ریشه عربی است و به معنی رفتن، گذاشتن و گذر کردن آمده است.<sup>۱</sup> زمان کلمه‌ای است که ریشه در زبان فارسی قدیم (پهلوی) داشته و به معنی وقت، هنگام، عهد و روزگار آمده است.

اصطلاح "مرور زمان" یا "مرور زمان" در لغت فارسی به یک معنی و مفهوم استعمال شده است. گرچه از هر یک از مفردات این واژه مرکب برای افاده معانی گوناگونی استفاده می‌شود، ولی در یک بیان مختصر می‌توان گفت که مرور زمان به معنی گذشت و سپری شدن زمان است. دهخدا پس از بیان معانی کلمه مرور چنین آورده است:

« مرور زمان، در اصطلاح حقوق جزا، گذشتن مدتی است از تاریخ ارتکاب جرم...<sup>۲</sup> »

برای روشن‌تر شدن مفاهیم کلمات فوق بطور مختصر معانی هر یک را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

<sup>۱</sup> - عمید حسن، فرهنگ فارسی، ج یازدهم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷

<sup>۲</sup> - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۲، ص ۱۳۷۳، ص ۱۸۲۹۷.



## الف : مرور :

واژه مرور، غالباً به طور مرکب اضافی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در اصل یک کلمه عربی است، لکن در فارسی نیز کاربرد زیادی دارد و برای آن معانی متنوعی از قبیل : گذشتن، رفتن، عبور کردن، به گذشتن و به شدن نقل شده است.

این کلمه به طور مرکب اضافی استعمال شده است مانند : " مرور ایام ، مرور اعوام، مرور ایام ولیالی، مرور زمان ، مرور شهور واگر با پیشوند " باء " استعمال شود به معنای کم کم ، اندک اندک ، آهسته آهسته خواهد بود"<sup>۱</sup> .

## ب: زمان :

قبل از تحلیل و بررسی واژه زمان باید متذکر شد که شاید کمتر واژه‌ای چه از نظر مفهوم و یا مصداق خارجی، در علوم مختلف به اندازه کلمه زمان مورد گفتگو، نزاع و نفی و اثبات قرار گرفته باشد. نگاهی مختصر به متون اصلی علوم مذکور مثبت این مدعاست .

برای واژه زمان، معانی گوناگونی نقل شده است و این واژه از واژه‌های مشترک در زبان فارسی و عربی است. در اینجا تنها به برخی از معانی اشاره می‌کنیم:

یکی از معانی زمان، فوت و مرگ است.<sup>۲</sup> برای درک بهتر معنای فوق به این ابیات توجه کنید :

زمان چون تو را از جهان کرد دور      پس از تو جهان را چه ماتم چه سود ( فردوسی )

<sup>۳</sup>- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۲، ص ۱۸۲۹۷ .

<sup>۱</sup>- علی اکبر دهخدا، همان، ص ۱۱۳۶۹ .

زمان کینه ورش هم به زخم کینه اوست به زخم مار بود هم زبان مار افسای (عنصری)<sup>۱</sup>

یکی دیگر از معانی زمان، مقدار حرکت فلک اعظم است و در نزد حکما مقدار حرکت فلک اطلس است.<sup>۲</sup>

" زمان به فتح اول به معنی فوت و مرگ و در عربی به معنی مقدار حرکت فلک اعظم است"<sup>۳</sup> ناصر خسرو در این باره می‌گوید:

زمانی کز فلک زاید زمان تا بوده چون باشد زمان بی وجود او موجود و ناموجود بی مبدأ

یکی دیگر از معانی زمان: "روزگار، دوره، زمانه، وقت، مدت (چه کم باشد و چه زیاد است)" جمع آن ازمنه است و به معنی وقت اندک یا بسیار است.<sup>۴</sup>

به نظر نگارنده، واژه‌های مرور زمان، تقادم و Prescription که در زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی استفاده شده است، همگی معنی یکسان دارند و مفهوم این واژه‌ها کمتر دچار تحول و تغییر شده است و به طور خلاصه، مرور زمان ترکیبی است که رابطه واژه‌ها، بیانی است. یعنی مراد از کلمه مرور همان حرکت و تغییری است که بر اثر حرکت حاصل می‌گردد و زمان بیانگر مقدار حرکت و تغییر است. در اصطلاح حقوقی اگر مقدار حرکت و تغییر قابل توجه باشد (نسبتاً طولانی باشد) به آن مرور زمان گفته می‌شود، که با تحقق مرور زمان حق تعقیب یا مجازات ساقط می‌گردد.

<sup>۲</sup> - علی اکبر دهخدا، همان، ص ۱۱۳۶۹.

<sup>۳</sup> - علی اکبر دهخدا، همان، ص ۱۱۳۶۹.

<sup>۴</sup> - محمدحسین ابن خلف تبریزی، برهان قاطع، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۰۲۹ و راجع به زمان در عربی مراجعه کنید به دائره‌المعارف اسلام تحت همین واژه.

<sup>۱</sup> - محمد بندریگی؛ المنجد (عربی - فارسی)، ج ۱، تهران، انتشارات ایران بازار الحرمین، ۱۳۷۴، ص ۶۸۰.

<sup>۲</sup> - علی اکبر دهخدا، لغت نامه، پیشین، ذیل واژه زمان.

## گفتار دوم - تعریف اصطلاحی

حقوقدانان تعاریف گوناگونی برای مرور زمان ارائه کرده‌اند، گرچه برخی نیز بدون ارائه تعریف مشخصی از مرور زمان کیفری، آثار و احکام آن را بیان داشته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

یکی از مؤلفین در تعریف مرور زمان آورده است: «سپری شدن مدتی از وقتی که قانون آن را بیان نموده و در آن مدت اقدام تعقیبی یا اجرای مجازات صورت نپذیرفته باشد<sup>۱</sup>». در تعبیر دیگر، این تعریف آمده است: "گذشتن مدتی که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی و سرانجام، اجرای مجازات امکان پذیر نیست"<sup>۲</sup>.

یکی دیگر از حقوقدانان در تعریف مرور زمان آورده است: «مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت تعقیب جرم یا اجرای حکم قطعی کیفر موقوف می‌شود؛ به عبارت دیگر هرگاه رسیدگی به جرم و یا اجرای حکم قطعی کیفری مدت معینی به عهده تعویق افتد دیگر آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی در آن خصوص به موقع اجرا گذاشته نمی‌شود. در این صورت می‌گویند جرم مشمول مرور زمان شده است»<sup>۳</sup>.

در تعریف دیگر آمده است: "گذشتن مدتی که برابر قانون پس از انقضای آن مدت تعقیب جرم یا صدور حکم مجازات یا اجرای حکم قطعی مجازات در مورد محکوم موقوف می‌گردد"<sup>۴</sup>.

<sup>۳</sup> - القاضی فرید الرغبی، الموسوعه الجزائیه، ج ۸، بیروت، دار صاد، ۱۹۹۵، ص ۱۵۹ .

<sup>۴</sup> - محمد آشوری، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲ .

<sup>۱</sup> - محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، چ ۸، تهران، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۲۴۶ .

<sup>۲</sup> - سید جلال‌الدین مدنی، آئین دادرسی کیفری، چ اول، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۷۸، ص ۴۹۳ .

یکی از شارحین قوانین جزائی کشور مصر در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: "مرور زمان کیفری؛ گذشت مدتی از زمان است که قانون آن را معین می‌کند و از تاریخ صدور حکم قطعی شروع می‌گردد به شرط اینکه اقدامی برای اجرای مجازات نشده باشد".<sup>۱</sup>

برخی از حقوقدانان، تعریفی کلی از مرور زمان ارائه نکرده‌اند، بلکه هر یک از انواع مرور زمان جرم، مرور زمان دعوی و مرور زمان مجازات را بطور مستقل تعریف کرده‌اند. برای مثال یکی از حقوقدانان در تعریف مرور زمان جرم گفته است: "گذشتن مدتی از تاریخ ارتکاب جرم بدون اینکه مجرم مورد تعقیب قرار گرفته باشد و پس از آن مدت دیگر قابل تعقیب نیست".<sup>۲</sup>

ایشان در تعریف مرور زمان دعوی آورده است: «گذشتن مدتی بر دعوی اقامه شده که با انقضای مدت مزبور از آخرین اقدام (عمل رسیدگی) دعوی ساقط شده باشد».<sup>۳</sup>

همچنین در تعریف مرور زمان مجازات گفته است: "گذشتن مدتی از تاریخ صدور حکم مجازات است که در آن مدت حکم مزبور اجرا نشده باشد در این صورت آن حکم اجرا نخواهد شد".<sup>۴</sup>

به نظر می‌رسد غالب این تعاریف جامع افراد و مانع اغیار نیستند. به عنوان نمونه تعریف اخیر با توجه به شقوق مختلف آن با این ایراد مواجه است که شامل مرور زمان تعقیب نمی‌گردد؛ زیرا همانطوری که از مواد قانونی سابق (ق.م.ع.) و لاحق (ق.آ.د.ک.د.ع و انقلاب) استنباط می‌گردد، اگر مجرم حتی مورد تعقیب

<sup>۳</sup> - محمد نجیب حسنی، شرح قانون العقوبات القسم العام، ج ۳، بیروت، انتشارات دارالتحقیب العربیه، ۱۹۷۳، ص ۹۵۵ .

<sup>۴</sup> - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات بنیاد استاد، ۱۳۶۳، ص ۶۳۹ د.ر.ک. به محمد باهری، حقوق جزای عمومی، ص ۱۲۶ .

<sup>۱</sup> - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات بنیاد استاد، ۱۳۶۳، ص ۶۳۹ د.ر.ک. به محمد باهری، حقوق جزای عمومی، ص ۶۳۹ .

<sup>۲</sup> - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات بنیاد استاد، ۱۳۶۳، ص ۶۳۹ د.ر.ک. به محمد باهری، حقوق جزای عمومی، ص ۶۳۹ .